




دن براون  
حسین شهبازی

# نماد گمشده

 ofoqbook.com  
 ofoqpublication  
 ofoqpublication

## حقایق

در سال ۱۹۹۱، سندی را در گاو صندوقِ رئیس وقتِ سی‌آی‌ای گذاشتند. سند تا به امروز همان‌جاست. متنِ رمزنگاشته‌ی آن مشتمل بر ارجاعاتی به دروازه‌های باستانی و مکانی ناشناخته در زیر زمین است. ضمن آن‌که در این سند این عبارت آمده: «جایی آن بیرون مدفون است.»

تمام سازمان‌های مذکور در این رمان وجود دارند، از جمله فراماسونری، کالج نادیدنی، دفتر امنیت، م.ا.پ، پژوهشگاه علوم نوئیک.

تمام شعائر، مناسک، آثار هنری و بناهای این رمان واقعی هستند.

زیستن در دنیا بدون آگاه بودن از معنای دنیا مانند

پرسه زدن در کتابخانه‌ای عظیم است بدون لمس کردن کتاب‌ها.

تعالیم مخفی تمام اعصار<sup>۱</sup>

---

۱. نام مشهورترین کتاب عارف آمریکایی، منلی هال (۱۹۹۰-۱۹۰۱). متن کامل کتاب را

می‌توانید در این نشانی بخوانید: [www.sacred-texts.com/esoteric/index.htm](http://www.sacred-texts.com/esoteric/index.htm) - م.

## مقدمه

خانه‌ی هیکل

۸:۳۳ بعد از ظهر

راز، در چگونه مردن است.

از زمان بنای عالم، راز همواره در چگونه مردن بوده.

تازه‌مُشرفِ سی و چهار ساله، به جمجمه‌ی انسانی که کفِ دستانش آرام گرفته بود خیره شد. جمجمه مانند قلدح، توخالی بود و با شرابی خون‌رنگ پُرش کرده بودند.

با خود گفت بخورش. نباید بترسی.

همان‌گونه که سنت می‌گفت، با جامه‌هایی آیینی از بدعت‌گذارانِ قرون وسطایی که در آن روزگار راه به چوبه‌ی دار می‌بردند سفرش را آغاز کرده بود. پیراهنِ گشادش را چاک بلندی داده بودند تا سینه‌ی رنگ‌پریده‌اش نمایان باشد و پاچه‌ی شلوارِ پای چپش را تا زانو و آستینِ دستِ راستش را هم تا آرنج بالا زده بودند. دورگردنش ریسمانی سنگین آویزان بود؛ همانی که برادران، "کمندِ کَنفی" می‌گفتند. با این همه، امشب که برادران برای شهادت دادن آمده بودند او هم لباسِ استادان را پوشیده بود. مجمعِ برادران که احاطه‌اش کرده بودند همگی لباس‌های رسمی خود